

غزل شماره ۷۵

خوابِ آن ز کسِ قآنِ تو، بی چیزِ نیست
تابِ آن زلفِ پریشانِ تو، بی چیزِ نیست

از بخت شیر روان بود که من می کفتم
این شکر کرد نمکدانِ تو، بی چیزِ نیست

جان درازی تو باد که یقین می دانم
در کمانِ ناوکِ مژگانِ تو، بی چیزِ نیست

بستلایی به غم محنت و اندوه فراق

ای دل این ناله و افغان تو، بی چیز نیست

دوش، باد از سر کویش به گلستان بگذشت

ای گل این چاک گریان تو، بی چیز نیست

درد عشق ارچه دل از خلق نهان می دارد

حافظ این دیده گریان تو، بی چیز نیست

تفسیر فال

شکست تو در این راه، می‌تواند به عنوان یک پله‌ی صعودی تلقی شود که به سمت موفقیت‌های آینده هدایت می‌کند. هرگونه نقصان و کاستی که در این مسیر تجربه می‌کنی، نه تنها بی‌معنا نیست، بلکه حاوی حکمت‌های عمیق و ارزشمندی است که ممکن است در آینده به درک بهتر خودت و دنیای اطرافت بینجامد. ممکن است سلامتی و آرامش روحی تو در شرایط دشوار مالی یا فقر نهفته باشد، وضعیتی که شاید به ظاهر تلخ باشد اما می‌تواند بستر رشد و تعالی شخصیت تو را فراهم کند. بنابراین، امیدت را هرگز از دست نده؛ زیرا امید مانند نوری است که حتی در تاریک‌ترین لحظات نیز می‌تواند راه را روشن کند. فعلاً بهترین گزینه این است که روزگار را با صبر و شکیبایی طی کنی و نسبت به چالش‌ها دیدگاهی مثبت داشته باشی. یقین بدان راز وجود تو در این است که با روزگار صلح کنی و از هر تجربه‌ای درس‌گیری تا بتوانی در نهایت به اهداف والای خود دست یابی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)